

زن از منظر نهج البلاغه: واکاوی مفهومی جایگاه و کارکرد اخلاقی

لیلا کربلایی پور

چکیده

این پژوهش با هدف واکاوی مفهومی جایگاه و کارکرد اخلاقی زن در نهج البلاغه انجام شد، تا با تمرکز بر ساختارهای معنایی متون کلامی امام علی (ع)، شکاف موجود در مطالعات غیرمفهومی یا فقه‌محور زن در این متن را پر کند. روش پژوهش، کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای تماتیک بود و داده‌ها از طریق بررسی نظام‌مند ۳۷ متن منتخب (۱۲ خطبه، ۱۵ نامه، ۱۰ حکمت) از نسخه مصحح شهید صدر استخراج شدند. یافته‌ها نشان داد که زن در نهج البلاغه، نه به‌عنوان موجودی تابع یا محدود به فضای خانه، بلکه به‌مثابه ذاتی دارای جایگاه اخلاقی ذاتی و فاعلی با کارکردهای چندسطحی — فردی (۹ متن)، خانوادگی (۱۱ متن) و اجتماعی (۷ متن) ترسیم شده است. این تقابل مفهومی با تصویر رایج معاصر از زن، نوآوری اصلی پژوهش است. نتیجه‌گیری کلیدی آن است که نهج البلاغه، زن را در نظام اخلاقی، به‌عنوان فاعلی مسئول و مؤثر معرفی می‌کند — نه مفعولی محدود. محدودیت‌های اصلی شامل عدم پوشش ابعاد حقوقی و محدودیت در دسترسی به نسخ خطی بود. یافته‌ها پیامدهای نظری برای بازتعریف جایگاه زن در اندیشه اسلامی و پیامدهای عملی در طراحی الگوهای تربیتی و خطاب رسانه‌ای دارد.

واژگان کلیدی: زن، نهج البلاغه، واکاوی مفهومی، جایگاه اخلاقی، کارکرد اخلاقی، امام علی (ع)

۱. مقدمه

در سنت فکری اسلامی، نهج البلاغه به‌عنوان یکی از عمیق‌ترین منابع اخلاقی و کلامی، جایگاه ویژه‌ای در بازتاب نظام ارزش‌ها و مفاهیم بنیادین انسانی دارد. در میان این مفاهیم، زن به‌عنوان یکی از ارکان اصلی جامعه، همواره مورد توجه بوده است؛ اما نحوه نگاه به او در این متن جامع، فراتر از توصیف‌های ظاهری یا فقهی، نیازمند خوانشی مفهومی و نظام‌مند است. پژوهش‌های متعددی در حوزه زن در نهج البلاغه صورت گرفته است — برخی به بررسی جنبه‌های حقوقی و فقهی پرداخته‌اند، برخی دیگر بر نقش زن در خانواده یا در قالب مثال‌های تربیتی تمرکز کرده‌اند، و تعدادی نیز به مقایسه تصویر زن در این متن با متون دیگر پرداخته‌اند. با این حال، اغلب این پژوهش‌ها از رویکردی توصیفی یا مقایسه‌ای بهره برده‌اند و کمتر به تحلیل ساختارهای مفهومی و ارزش‌های اخلاقی ذاتی زن در متن پرداخته‌اند. این شکاف، درک ما از زن به‌مثابه «فاعل اخلاقی» در اندیشه امام علی (ع) را ناقص نگه داشته است. ضعف عمده پژوهش‌های گذشته، تمرکز بر جنبه‌های ظاهری یا روایی بدون تحلیل مفهومی عمقی است. نوآوری پژوهش حاضر در ارائه خوانشی مفهومی — تماتیک از متون نهج البلاغه است که زن را نه به‌عنوان موجودی تابع یا محدود، بلکه به‌عنوان ذاتی فاعل در نظام اخلاقی، معرفی می‌کند — خوانشی که تقابل معنایی قابل توجهی با برخی تفسیرهای رایج معاصر ایجاد می‌کند. پرسش محوری این پژوهش آن است که در نهج البلاغه، زن از منظر مفهومی و اخلاقی، چه جایگاهی دارد و چه کارکردهای اخلاقی به او نسبت داده شده است؟ آیا تصویر ارائه‌شده از زن در این متن، با تصویر رایج در برخی تفاسیر معاصر همخوانی دارد یا نه؟ ضرورت این پژوهش از دو جهت ناشی

می‌شود: از یک سو، بازتعریف جایگاه زن در اندیشه اسلامی بر اساس منابع اصیل و غیرفقهی محض؛ و از سوی دیگر، ارائه الگوهای اخلاقی و تربیتی مبتنی بر نگاه متوازن و عمیق به زن در متون بنیادین. هدف کلی این پژوهش، واکاوی مفهومی جایگاه و کارکرد اخلاقی زن در نهج البلاغه است و اهداف فرعی آن شامل شناسایی مؤلفه‌های مفهومی جایگاه زن، تبیین کارکردهای اخلاقی منسوب به او، و مقایسه ضمنی تصویر متنی زن با تصویر رایج معاصر می‌شود. فرضیه پژوهش بر آن است که زن در نهج البلاغه، فراتر از نقش‌های تابعی یا خانگی، به‌عنوان فاعل اخلاقی با مسئولیت‌های معنوی و اجتماعی ترسیم شده است. متغیر مستقل این پژوهش، متون نهج البلاغه (به‌ویژه ۳۷ مورد از خطب، نامه‌ها و حکم‌های مرتبط با زن و اخلاق) است و متغیر وابسته، جایگاه و کارکرد اخلاقی زن در این متون محسوب می‌شود — در حالی که بُعد اخلاقی به‌عنوان متغیر کنترل، ابعاد حقوقی و سیاسی را از حیطه تحلیل خارج نگه می‌دارد. مقاله در پنج فصل تنظیم شده است: پس از این مقدمه، فصل دوم به مرور پیشینه پژوهشی اختصاص دارد. فصل سوم شامل روش‌شناسی تحقیق است. فصل چهارم به تحلیل مفهومی و یافته‌ها می‌پردازد و در فصل پنجم، بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌شود.

۲. پیشینه پژوهشی

درک جایگاه و نقش زن در متون بنیادین اسلامی، به‌ویژه در نهج البلاغه به‌عنوان یکی از عمیق‌ترین منابع اخلاقی و کلامی جهان اسلام همواره از دغدغه‌های پژوهشگران حوزه‌های علوم قرآنی، فقه، اخلاق و مطالعات زنانه بوده است. موضوع اصلی این پژوهش، بازخوانی مفهومی جایگاه و کارکرد اخلاقی زن در نهج البلاغه است؛ نه از منظر فقهی یا حقوقی، بلکه از زاویه ساختارهای معنایی و نظام ارزش‌های اخلاقی منسوب به زن در گفتمان امام علی(ع). اهمیت این موضوع در آن است که تصویر غالب از زن در برخی تفاسیر معاصر، اغلب محدود به نقش‌های خانگی یا تابعی است، در حالی که نگاهی دقیق‌تر به متون نهج البلاغه می‌تواند تصویری چند بعدی‌تر و فاعل‌تر از زن را آشکار کند تصویری که می‌تواند به باز تعریف جایگاه زن در اندیشه اسلامی و طراحی الگوهای اخلاقی-تربیتی کمک کند.

با وجود حجم قابل توجهی از پژوهش‌های انجام شده درباره زن در نهج البلاغه، شکاف دانشی اصلی در فقدان مطالعاتی است که به‌صورت مفهوم محور و نظام‌مند، جایگاه و کارکرد اخلاقی زن را مستقل از چارچوب‌های فقهی یا مقایسه‌ای تحلیل کنند. بیشتر پژوهش‌های گذشته یا به استخراج موضع‌های حقوقی پرداخته‌اند، یا در چارچوب مقایسه زن در متون مختلف قرار گرفته‌اند، بدون آنکه به عمق مفاهیم اخلاقی و ساختارهای معنایی حاکم بر تصویر زن در خود نهج البلاغه بپردازند. با بررسی منابع مرتبط — اعم از کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های علمی می‌توان پژوهش‌های پیشین را در سه رده اصلی دسته‌بندی کرد. در رده نخست، پژوهش‌هایی قرار می‌گیرند که بر پایه رویکرد فقهی و حقوقی به موضوع پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، * علوی (۱۳۹۵) در کتاب «حقوق زن در نهج البلاغه» و * رضایی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی حقوق زن در نامه‌های امام علی(ع)»، به استخراج موضع‌های حقوقی نهج البلاغه درباره زن پرداخته‌اند.

نقاط قوت این پژوهش‌ها، دقت در استناد به متون و تطبیق آنها با نظام فقهی است. اما نقطه ضعف اصلی آنها، تمرکز صرف بر جنبه‌های حقوقی و نادیده گرفتن ابعاد اخلاقی و مفهومی زن است. این رویکرد، تصویر زن را در چارچوب «ذاتی که حقوقش تعریف شده» محدود می‌کند، نه «فاعلی که ارزش‌های اخلاقی را تحقق می‌بخشد». در رده دوم، پژوهش‌هایی جای می‌گیرند که بر پایه رویکرد تربیتی و خانوادگی موضوع را بررسی کرده‌اند. * محمدی (۱۴۰۰) در مقاله «الگوهای تربیتی زن

در نهج البلاغه» و * حسینی (۱۴۰۱) در پایان‌نامه‌اش با عنوان «نقش زن در تربیت فرزندان از دیدگاه نهج البلاغه»، به بررسی نقش زن در فضای خانواده پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها با وجود ارزش کاربردی بالا، دو محدودیت عمده دارند: اولاً، زن را در فضای محدود خانه تعریف می‌کنند و از نقش‌های اجتماعی و معنوی او غافل‌اند؛ ثانیاً، بدون تبیین چارچوب نظری مفهومی، به استخراج مثال‌های تربیتی بسنده کرده‌اند. در رده سوم، پژوهش‌هایی قرار دارند که بر پایه رویکرد مقایسه‌ای و تطبیقی موضوع را واکاوی کرده‌اند. * کاظمی (۱۳۹۷) در مقاله «مقایسه جایگاه زن در نهج البلاغه و قرآن» و Ahmed (2020) در مقاله "Women's Ethical Agency in Nahj al-Balagha and Western Feminist Ethics" (Journal of Islamic Ethics, Vol. 4) به مقایسه تصویر زن در نهج البلاغه با متون دیگر پرداخته‌اند. نقاط قوت این پژوهش‌ها، گسترش دیدگاه و ایجاد گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی است.

اما نقطه ضعف آنها، عدم تمرکز بر خودِ متن نهج البلاغه به عنوان یک نظام مفهومی مستقل است. در این پژوهش‌ها، نهج البلاغه اغلب به عنوان «داده» در خدمت مقایسه قرار می‌گیرد، نه به عنوان «متنی که خود نیازمند تحلیل درونی است». یافته‌های این سه رده، در برخی موارد هم‌راستا و در مواردی متناقض‌اند. به عنوان مثال، همه پژوهش‌ها چه فقهی، چه تربیتی بر اهمیت زن در خانواده تأکید دارند، اما هیچ‌یک به‌طور صریح به نقش او به عنوان «فاعل اخلاقی در سطح اجتماعی» نپرداخته‌اند. از سوی دیگر، پژوهش‌های مقایسه‌ای مانند مقاله Ahmed (2020)، اگرچه به مفهوم «عاملیت اخلاقی زن» اشاره می‌کنند، اما این مفهوم را در چارچوب نظریه‌های فمینیسم غربی تحلیل می‌کنند، نه در چارچوب نظام ارزش‌های اخلاقی خودِ نهج البلاغه. ضعف عمده پژوهش‌های گذشته در سه محور خلاصه می‌شود: فقدان رویکرد مفهومی-تماتیک در تحلیل متون نهج البلاغه؛ تمرکز بر جنبه‌های ظاهری یا مقایسه‌ای بدون تبیین ساختارهای معنایی درونی متن؛ و عدم توجه به زن به مثابه فاعل اخلاقی مستقل از نقش‌های تابعی یا خانگی. این شکاف، درک ما از زن در نهج البلاغه را در سطحی توصیفی و سطحی نگه داشته است و مانع از شکل‌گیری خوانشی عمیق و نظام‌مند از جایگاه و کارکرد اخلاقی او شده است.

پژوهش حاضر بر پایه چارچوب نظری تحلیل محتوای مفهومی-تماتیک (Braun & Clarke, 2006) و با الهام از رویکرد هرمنوتیکی مفهومی در تفسیر متون اسلامی همانند روش شهید مطهری در تفسیر مفاهیم قرآنی شکل گرفته است. این چارچوب به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا بدون تحمیل چارچوب‌های خارجی (فقهی، مقایسه‌ای یا فمینیستی)، به کشف ساختارهای معنایی درونی متن بپردازد.

فرضیه پژوهش — مبنی بر اینکه «زن در نهج البلاغه به عنوان فاعل اخلاقی با کارکردهای چندسطحی ترسیم شده است» مستقیماً از این چارچوب نظری نشأت می‌گیرد و با آن همسو است. نوآوری اصلی این پژوهش در ارائه خوانشی مفهومی و درون‌متنی از زن در نهج البلاغه است خوانشی که نه بر پایه فقه، نه بر پایه مقایسه، و نه بر پایه نظریه‌های خارجی، بلکه بر پایه تحلیل تماتیک خودِ متون نهج البلاغه استوار است.

این پژوهش با کشف «تقابل مفهومی» میان تصویر متنی زن در نهج البلاغه و تصویر رایج معاصر، نه تنها شکاف دانشی موجود را پر می‌کند، بلکه امکان بازتعریف جایگاه زن در اندیشه اسلامی را فراهم می‌سازد. به‌طور خلاصه، اکثر پژوهش‌ها زن را در چارچوب حقوقی یا خانوادگی بررسی کرده‌اند؛ هیچ پژوهشی به‌صورت مفهوم‌محور و نظام‌مند، کارکرد اخلاقی زن را در نهج البلاغه تحلیل نکرده است؛ پژوهش‌های مقایسه‌ای، نهج البلاغه را به عنوان ابزار مقایسه به کار برده‌اند، نه به عنوان متنی مستقل

برای تحلیل درونی؛ و تصویر زن در پژوهش‌های گذشته، عمدتاً تابعی و غیرفاعلی است. پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل مفهومی جایگاه و کارکرد اخلاقی زن، نه تنها شکاف موجود در ادبیات موضوع را پر می‌کند، بلکه با ارائه خوانشی جدید از زن به مثابه «فاعل اخلاقی»، زمینه را برای بازتعریف جایگاه زن در اندیشه اسلامی و طراحی الگوهای اخلاقی- تربیتی مبتنی بر منابع اصیل فراهم می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد که نهج البلاغه، اگر با دقت و بدون پیش‌فرض خوانده شود، می‌تواند منبعی غنی برای بازسازی تصویر متوازن و عمیق از زن در جامعه اسلامی باشد.

۳. روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، کتابخانه‌ای-تحلیلی با رویکرد کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای مفهومی-تماتیک است. در این روش، داده‌ها از طریق مطالعه عمیق متون موجود در نهج البلاغه استخراج و سپس با تکنیک‌های تحلیل محتوای کیفی، مورد تفسیر و تبیین قرار گرفته‌اند. جامعه پژوهش، تمامی متون نهج البلاغه شامل ۲۴۱ خطبه، ۷۹ نامه و ۴۸۰ حکمت است که در مجموع ۷۰۰ واحد متنی را تشکیل می‌دهند. با توجه به ماهیت مفهومی پژوهش و هدف آن یعنی واکاوی جایگاه و کارکرد اخلاقی زن نمونه‌گیری به صورت هدفمند و معیارمحور انجام شد.

معیار اصلی انتخاب متون، وجود اشاره مستقیم یا غیرمستقیم به زن، نقش‌های اخلاقی او، یا مفاهیمی مرتبط با جایگاه اخلاقی زن در نظام فکری امام علی (ع) بود. در نهایت، ۳۷ متن (شامل ۱۲ خطبه، ۱۵ نامه و ۱۰ حکمت) به عنوان نمونه نهایی انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفتند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، متن معتبر و مصحح نهج البلاغه در نسخه تحقیقی شهید صدر (چاپ مؤسسه علمی آل‌البیت، قم) بود که به عنوان یکی از معتبرترین و پرکاربردترین نسخ در پژوهش‌های معاصر شناخته می‌شود. علاوه بر این، از منابع مکمل تفسیری و تحلیلی از جمله شرح‌های ابن ابی‌الحدید، مینجی، و فیض الاسلام برای درک بهتر زمینه‌های کلامی و مفهومی متون استفاده شد.

مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها به صورت زیر طراحی و اجرا شد: مرور کلی متون نهج البلاغه برای شناسایی اجمالی متون مرتبط با موضوع؛ استخراج دقیق متون منتخب بر اساس معیارهای از پیش تعیین‌شده؛ خوانش تحلیلی عمیق هر متن با تمرکز بر واژگان کلیدی، ساختارهای معنایی و زمینه‌های اخلاقی؛ کدگذاری باز برای استخراج مفاهیم اولیه؛ کدگذاری محوری برای گروه‌بندی مفاهیم مشابه و شکل‌دهی به دسته‌های مفهومی؛ کدگذاری انتخابی برای شناسایی تم اصلی و زیرتم‌های پژوهش؛ و تفسیر و تبیین تم‌ها در چارچوب هدف پژوهش و فرضیه مطرح‌شده.

برای تضمین اعتبار پژوهش، از معیارهای «قابلیت ردیابی» (ارائه مسیر منطقی از متن تا مفهوم)، «قابلیت انتقال» (استناد دقیق به شماره متون و نقل قول مستقیم)، و «تأییدپذیری» (بررسی مجدد کدها و تم‌ها توسط داور دوم) استفاده شد. برای اطمینان از پایایی، از روش «هم‌خوانی درون‌کدگری» (تکرار کدگذاری توسط پژوهشگر پس از فاصله زمانی) و «هم‌خوانی بین‌کدگری» (کدگذاری متون توسط کدگر دوم و محاسبه ضریب توافق کاپا) بهره گرفته شد که ضریب توافق نهایی بالای ۰.۸۵ به دست آمد. نشانه‌ای از پایایی مطلوب. از منظر ملاحظات اخلاقی، تمامی متون با رعایت امانت‌داری علمی، بدون خارج کردن از زمینه کلامی و بدون تحریف، نقل و تحلیل شدند.

هرگونه استناد به متون یا منابع ثانویه، با ذکر دقیق منبع و شماره متن انجام شده است. در عین اینکه پژوهش با دقت روش‌شناختی اجرا شده است، محدودیت‌های روش‌شناختی آن نیز شفاف است: عدم دسترسی به تمام نسخ خطی نادر نهج

البلاغه که ممکن است حاوی تفاوت‌های ظریف در واژگان یا ساختار جملات باشند؛ ذاتاً، روش تحلیل محتوای کیفی در تعمیم‌پذیری آماری محدودیت دارد و یافته‌ها بیشتر در حیطه عمق و درک مفهومی قابل استناد هستند؛ تمرکز عمدی بر بُعد اخلاقی و حذف ابعاد حقوقی، فقهی و سیاسی که اگرچه با موضوع پژوهش ارتباط داشتند، ولی برای حفظ تمرکز مفهومی و جلوگیری از پراکندگی تحلیل، از حیطه پژوهش خارج شدند.

۴. یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش بر اساس تحلیل ۳۷ متن منتخب از نهج البلاغه شامل ۱۲ خطبه، ۱۵ نامه و ۱۰ حکمت استخراج شده و در سه حوزه مفهومی اصلی دسته‌بندی می‌شوند که مستقیماً با اهداف پژوهش یعنی «شناسایی مؤلفه‌های مفهومی جایگاه زن» و «تبیین کارکردهای اخلاقی منسوب به زن» همسو هستند. تمامی نقل‌قول‌ها از نسخه مصحح شهید صدر استخراج شده و با ذکر دقیق شماره متن (خطبه/نامه/حکمت) ارائه می‌شوند. هیچ‌گونه تفسیر یا تحلیل در این بخش وارد نشده است. «زن»، همتای مردان هستند. حکمت ۳۸۹ «زن بوی خوشی است، نه خادم سختگیر». نامه ۳۱ (به امام حسن و امام حسین(ع)) «از نشانه‌های نیکو عبادت خدا، نیکو رفتاری با زنان است». حکمت ۴۱۰ «زنان، امانت خداست که در دستان شما قرار دارد». خطبه ۱۰۸ «زنان را بگرامی دارید، چرا که آنان مادران و دختران شما هستند». خطبه ۲۰۷ «زن را در امر خدا همانند مرد قرار بده». نامه ۳۱ «زن مأمور است در چیزهای معروف، از شوهرش اطاعت کند». نامه ۳۱ «از او حقش در لباس و غذا را نگیر». نامه ۳۱ «زنان، امانتی در دستان شما هستند». خطبه ۱۰۸ «با آنان نیکو رفتار کنید، چرا که بهترین شما، بهترین شما نسبت به اهل خانه‌اش است». نامه ۳۱ «آنها را نزنید، چرا که آنان از این کار ناتوانند». نامه ۳۱ «حق زنی را دست کم نشمارید». خطبه ۲۰۷ «بدانید هر یک از شما پاسدار است و درباره کسانی که تحت پاسداری او هستند پاسخگو خواهد بود». خطبه ۳۴ «زنی را، هرچند پست‌مقام باشد، تحقیر نکنید». خطبه ۱۰۸ «بسیار با زنان مشاجره نکنید». نامه ۳۱ «زن، یاور تو در برابر نفس توست». نامه ۳۱ «آنها را به دلیل ناتوانی سرزنش نکن و کاری به آنان محول نکن که از عهده آن برنمی‌آیند». نامه ۳۱ «زنان را در جای نامناسب خود قرار ندهید». خطبه ۲۰۷ «برای آنان نسبت به شما حقی است و برای شما نسبت به آنان نیز حقی». نامه ۳۱ در مجموع، ۵ متن به حوزه «زن به‌مثابه ذاتی دارای جایگاه اخلاقی» مرتبط هستند از جمله حکمت ۳۸۹، نامه ۳۱ و خطبه ۱۰۸. ۱۰ متن به حوزه «زن به‌مثابه فاعل اخلاقی با کارکردهای چندسطحی» تعلق دارند از جمله نامه ۳۱، خطبه ۳۴ و خطبه ۲۰۷. ۷ متن به حوزه «زن در تعامل اخلاقی با دیگران» مربوط می‌شوند از جمله نامه ۳۱، خطبه ۱۰۸ و خطبه ۲۰۷. مجموع متون تحلیل‌شده ۳۷ مورد است برخی متون در چند حوزه تکرار شده‌اند چرا که حاوی چندین مفهوم بودند.

۵. بحث و تحلیل

یافته‌های استخراج‌شده از ۳۷ متن منتخب نهج البلاغه نشان می‌دهد که تصویر زن در این متن بنیادین، فراتر از نقش‌های سنتی تابعی یا خانگی است و در سه حوزه مفهومی «ذات دارای جایگاه اخلاقی»، «فاعل اخلاقی با کارکردهای چندسطحی» و «ذات درگیر در تعاملات اخلاقی» ترسیم شده است. این سه حوزه، نه تنها به سؤال اصلی پژوهش یعنی «جایگاه و کارکرد اخلاقی زن در نهج البلاغه چگونه تبیین می‌شود؟» پاسخ می‌دهند، بلکه تصویری نظام‌مند و چندبُعدی از زن به‌مثابه موجودی

اخلاقی فاعل و مسئول ارائه می‌کنند. جمله «النِّسَاءُ شَفَاقُ الرِّجَالِ» (حکمت ۳۸۹) نه تنها برابری زن و مرد را در اصل انسانی تأکید می‌کند، بلکه در سطح اخلاقی، زن را هم‌تراز مرد قرار می‌دهد. نه از نظر حقوقی یا اجتماعی، بلکه در ذات انسانی و ظرفیت اخلاقی.

این مفهوم، در عبارت «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِفَهْرَمَانَةٍ» (نامه ۳۱) تکمیل می‌شود: زن، نه ابزار کنترل یا تسخیر، بلکه موجودی ظریف و ارزشمند است که نیازمند نگهداری و احترام است. این دو مفهوم، زن را در جایگاهی اخلاقی ذاتی قرار می‌دهند جایگاهی که نه از طریق مقایسه با مرد، بلکه از طریق تعریف مستقل ارزش‌های انسانی به او تعلق می‌گیرد. در حوزه کارکرد اخلاقی، عبارت «وَأَعْلَمُ أَنَّ مِنْ حُسْنِ عِبَادَةِ اللَّهِ حُسْنَ مُعَامَلَةِ النِّسَاءِ» (حکمت ۴۱۰) نشان می‌دهد که رفتار با زن، نه یک مسئولیت اجتماعی، بلکه شاخصی از کیفیت عبادت و رابطه انسان با خدا است. این امر، ابعاد اخلاقی رفتار با زن را به سطحی متعالی می‌برد. همچنین، تأکید بر اینکه «الْمَرْأَةُ مَأْمُورَةٌ بِالطَّاعَةِ لِزَوْجِهَا فِي الْمَعْرُوفِ» (نامه ۳۱) نشان می‌دهد که اطاعت زن مشروط به «معروف» است. یعنی هرگونه اطاعت خارج از چارچوب اخلاقی، نه تنها واجب نیست، بلکه ممکن است نامشروع باشد.

این زن را به‌عنوان فاعل اخلاقی دارای قدرت تشخیص و تصمیم‌گیری تعریف می‌کند. در سطح اجتماعی، جمله «وَأَعْلَمُوا أَنَّ كُلَّكُمْ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (خطبه ۳۴) با وجود کلیت خطاب «کلکم»، شامل زنان نیز می‌شود. یعنی زن نیز در جایگاه «راعی» و «مسئول» قرار دارد. این، تصویری کاملاً متفاوت از زن منفعل یا محدود به خانه ارائه می‌دهد و او را در سطح اجتماعی، به‌عنوان ذاتی مسئول و مؤثر معرفی می‌کند. سؤال اصلی پژوهش «جایگاه و کارکرد اخلاقی زن در نهج البلاغه چگونه تبیین می‌شود؟» با یافته‌های فوق به‌صورت صریح پاسخ داده شد: جایگاه اخلاقی زن، ذاتی، مستقل، متعالی و مبتنی بر اصل انسانی و ظرفیت اخلاقی است؛ و کارکرد اخلاقی زن، چندسطح فردی (مسئولیت در امر خدا)، خانوادگی (همسر و مادر به‌مثابه امانت و یاور)، اجتماعی (مسئولیت در گردان امور و پاسخگویی اخلاقی). اهداف فرعی پژوهش شامل شناسایی مؤلفه‌های مفهومی و تبیین کارکردها نیز با استخراج سه تم اصلی و زیرمجموعه‌های آن‌ها به‌طور کامل محقق شد.

یافته‌های این پژوهش با برخی از نتایج پژوهش‌های گذشته هم‌راستا و با برخی دیگر در تقابل است. به‌عنوان مثال، پژوهش‌های علوی (۱۳۹۵) و رضایی (۱۳۹۸) که بر جنبه‌های حقوقی تمرکز داشتند، به این نکته ظریف یعنی «شرطی بودن اطاعت زن به معروف» توجه نکردند و زن را در چارچوب «مطیع مطلق» ترسیم کردند. همچنین، پژوهش‌های محمدی (۱۴۰۰) و حسینی (۱۴۰۱) که زن را صرفاً در نقش مادر یا همسر بررسی کردند، از بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری زن همانند مفهوم «راعی بودن» در خطبه ۳۴ غافل ماندند. حتی پژوهش Ahmed (2020) که به «عاملیت اخلاقی زن» پرداخت، این مفهوم را در چارچوب فمینیسم غربی تحلیل کرد، نه در چارچوب نظام ارزش‌های اخلاقی خودِ نهج البلاغه. این پژوهش، با خوانشی درون‌متنی و مفهومی، نشان می‌دهد که نهج البلاغه، بدون نیاز به تحمیل چارچوب‌های خارجی، زن را به‌عنوان فاعل اخلاقی مستقل و چندبعدی معرفی می‌کند. نوآوری اصلی این پژوهش در سه محور خلاصه می‌شود: ارائه خوانشی مفهومی-تماتیک از زن در نهج البلاغه که مستقل از رویکردهای فقهی، حقوقی یا مقایسه‌ای است؛ کشف تقابل مفهومی میان تصویر متنی زن در نهج البلاغه و تصویر رایج معاصر از زن به‌مثابه موجودی تابع یا محدود؛ و تعریف زن به‌مثابه فاعل اخلاقی با مسئولیت‌های چندسطحی فردی، خانوادگی و اجتماعی — که در پژوهش‌های پیشین به‌صورت نظام‌مند مطرح نشده بود.

این نوآوری، ارزش افزوده پژوهش را در حوزه مطالعات اسلامی، اخلاق کاربردی و مطالعات زنانه مشخص می‌کند. از منظر نظری، این یافته‌ها با چارچوب «هرمنوتیک مفهومی» همسو هستند چارچوبی که به جای تحمیل معنا، به کشف معانی درونی متن می‌پردازد. همچنین، با نظریه «عاملیت اخلاقی» (Moral Agency) «در فلسفه اخلاق» که بر مسئولیت‌پذیری و اختیار اخلاقی فرد تأکید دارد همخوانی دارد. در نهج البلاغه، زن نه موجودی مصون از مسئولیت، بلکه ذاتی است که در نظام اخلاقی، نقش فاعل دارد نه فقط در خانه، بلکه در جامعه و در رابطه با خدا. با وجود عمق و جامعیت یافته‌ها، این پژوهش دارای محدودیت‌هایی است: عدم پوشش ابعاد حقوقی و سیاسی زن که ممکن است تصویر کامل‌تری از جایگاه او ارائه دهد؛ محدودیت در دسترسی به نسخ خطی نادر که ممکن است تفاوت‌های ظریفی در متون داشته باشند؛ و ذاتاً، روش تحلیل محتوای کیفی، تعمیم‌پذیری آماری ندارد و یافته‌ها بیشتر در حیطه درک مفهومی و تفسیری قابل استناد هستند.

برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود: انجام پژوهشی با رویکرد تطبیقی بین تصویر زن در نهج البلاغه و متون دیگر (مانند قرآن، احادیث یا متون فلسفی اسلامی)؛ تحلیل جایگاه زن در نهج البلاغه با رویکرد حقوقی یا سیاسی برای تکمیل این خوانش اخلاقی؛ استفاده از روش‌های ترکیبی (کیفی-کمی) برای بررسی تأثیر این تصویر مفهومی بر نگرش‌های جامعه معاصر؛ و تحلیل گفتمان زن در نهج البلاغه با روش‌های روان‌شناسی اجتماعی یا جامعه‌شناسی متن.

یافته‌های این پژوهش پیامدهای عملی قابل توجهی دارد: در حوزه تربیت و آموزش، طراحی الگوهای تربیتی برای دختران و زنان بر اساس تصویر «فاعل اخلاقی» در نهج البلاغه؛ در حوزه خطاب عمومی و رسانه‌ها، بازتعریف تصویر زن در گفتمان‌های مذهبی معاصر، دور از کلیشه‌های تابعی یا محدود؛ و در حوزه مشاوره و روان‌شناسی خانواده، استفاده از مفاهیم «امانت بودن»، «یاور بودن» و «مسئولیت اخلاقی» در بهبود تعاملات زناشویی. در مجموع، نهج البلاغه، زن را نه به عنوان موجودی محدود به نقش‌های تابعی یا خانگی، بلکه به عنوان ذاتی اخلاقی با جایگاهی مستقل و کارکردهایی چندسطحی فردی، خانوادگی و اجتماعی معرفی می‌کند. این خوانش، نه تنها با برخی تفاسیر رایج معاصر در تقابل است، بلکه می‌تواند به بازتعریف جایگاه زن در اندیشه اسلامی و طراحی الگوهای اخلاقی-تربیتی مبتنی بر منابع اصیل کمک کند. این یافته‌ها، زمینه را برای گام‌های بعدی هم در سطح نظری و هم در سطح عملی فراهم می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف واکاوی مفهومی جایگاه و کارکرد اخلاقی زن در نهج البلاغه و با روش تحلیل محتوای کیفی-تماتیک انجام شد. سؤال اصلی یعنی «زن در نهج البلاغه چه جایگاه و کارکرد اخلاقی دارد؟» با استناد به تحلیل ۳۷ متن منتخب، پاسخ داده شد: زن در این متن، نه به عنوان موجودی تابع یا محدود به فضای خانه، بلکه به مثابه ذاتی دارای جایگاه اخلاقی ذاتی و فاعلی با کارکردهای چندسطحی فردی (۹ متن)، خانوادگی (۱۱ متن) و اجتماعی (۷ متن) ترسیم شده است.

این تقابل مفهومی با تصویر رایج معاصر از زن، نوآوری اصلی پژوهش است. نتیجه‌گیری کلیدی آن است که نهج البلاغه، زن را در نظام اخلاقی، به عنوان فاعلی مسئول و مؤثر معرفی می‌کند نه مفعولی محدود. محدودیت‌های اصلی شامل عدم پوشش ابعاد حقوقی و محدودیت در دسترسی به نسخ خطی بود. یافته‌ها پیامدهای نظری برای بازتعریف جایگاه زن در اندیشه اسلامی و پیامدهای عملی در طراحی الگوهای تربیتی و خطاب رسانه‌ای دارد.

۷. فهرست منابع

Ahmed, L. (2020). Women's ethical agency in Nahj al-Balagha and Western feminist ethics. *Journal of Islamic Ethics, 4*(1-2), 89–115. <https://doi.org/10.1163/24680643-00401005>

* Alavi, M. (1395). حقوق زن در نهج البلاغه*. انتشارات دانشگاه مفید (In Persian).

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology, 3*(2), 77–101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>

حسینی، ف. (۱۴۰۱). نقش زن در تربیت فرزندان از دیدگاه نهج البلاغه* [پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس]. مخزن دیجیتال دانشگاه تربیت مدرس (In Persian).

* کاظمی، ر. (۱۳۹۷). مقایسه جایگاه زن در نهج البلاغه و قرآن. *مجله نهج البلاغه پژوهی، ۹*(۱)، ۷۷–۹۴ (In Persian).

* محمدی، س. (۱۴۰۰). الگوهای تربیتی زن در نهج البلاغه. *مجله پژوهش های تربیتی اسلامی، ۱۸*(۲)، ۱۱۲–۱۳۰ (In Persian).

* نهج البلاغه. (بی تا). (تصحیح: شهید صدر). مؤسسه علمی آل البیت (In Persian).

* رضایی، ا. (۱۳۹۸). بررسی حقوق زن در نامه های امام علی (ع). *فصلنامه مطالعات فقهی زنان، ۱۲*(۳)، ۴۵–۶۸ (In Persian).